

یادداشت
O P I N I O N



جمشید پژویان

کارشناس اقتصادی

بهبودفرایندهای تولیدوتوزیع ثروت در مناطق سیل زده با کمک استارت آپ‌ها

استان‌هایی که اوایل بهار امسال درگیر سیل شدند و اکنون نیز درگیر پیامدهای منفی آن هستند، هم به‌لحاظ اجتماعی و هم از نظر اقتصادی و استعدادهای موجود در منطقه، دارای تفاوت‌های عمده و پراکندگی هستند به همین دلیل زمینه فعالیت اقتصادی آن‌ها و منابع کسب درآمدشان متفاوت است. برای ایجاد هر شغل جدید در این استان‌ها هم نیاز به سرمایه‌گذاری جدید وجود دارد. اگر قرار است کسب و کار جدید، خصوصا کسب و کارهای مبتنی بر نوآوری در مناطق سیل‌زده راه‌اندازی شود یا مدل کسب و کار واحدهای صنفی تغییر پیدا کند، باید سرمایه آن مهیا باشد. موضوع مهم‌تر این است که این سرمایه‌گذاری باید در بخش‌هایی صورت گیرد که منطقه مذکور در آن، مزیت نسبی دارد. برای مثال، بافت شغلی استان لرستان، هم به‌لحاظ جغرافیایی و هم نوع خاک و ویژگی‌های آب‌وهوایی، عمدتاً بر محور کشاورزی و دامداری است. اگر قرار است مشاغل استارت‌آپی در این مناطق ایجاد شده یا کسب و کاری دانش‌پایه در آنجا از سوی سرمایه‌گذاران راه‌اندازی شود، اول از همه باید به مزیت‌های بخش کشاورزی و دامداری این استان توجه داشت و مشاغل جدید بر حسب این مزیت‌نسبی، تعریف شود. این کار نیاز به کار مطالعاتی دارد و باید بررسی کرد که در مناطق سیل‌زده چه اندازه ظرفیت ایجاد شغل‌های جدید استارت‌آپی و دانش‌بنیان وجود دارد و اصولاً آیا امکان ورود به این مقوله‌ها با خرابی‌های حاصل از سیل وجود دارد؟ اگر بنا به استفاده از ظرفیت استارت‌آپ‌ها برای بهبود وضعیت شغلی و معیشتی این مناطق باشد، از آنجایی که ماهیت مشاغل استارت‌آپی و دانش‌بنیان عمدتاً خدماتی است پس باید در وهله اول بستر شغلی و تولیدی مهیا باشد و پس از آن به‌دنبال تکنولوژی‌های روز و ایده‌های نواز مسیر استارت‌آپ‌ها بود. یک مثال، این سخن را شفاف‌تر می‌کند. بسیاری از استارت‌آپ‌ها اکنون راهکارهای اتصال تولیدکننده به مصرف‌کننده را بدون نقش دلال‌ها و واسطه‌ها پیدا کرده‌اند و می‌توان این استارت‌آپ‌ها را در مناطق سیل‌زده که محصولات کشاورزی و دامی دارند و حاصل زحمت آن‌ها به جیب دلالان می‌رود، فعال کرد، اما فعالیت این استارت‌آپ‌ها بدون فعالیت کشاورز و دامدار میسر نیست، بنابراین تغییر کلی فاز اقتصادی مناطق سیل‌زده از کشاورزی به استارت‌آپی وجه مشخص و مفهومی ندارد و یک سخن مبهم است. معتقدم وظیفه اصلی حاکمیت در درجه اول، احیای همان ساختارهای تولیدی سنتی در مناطق آسیب‌دیده از بلایای طبیعی است و ضمن احیای بافت‌های تخریب‌شده و بازسازی بخش‌های تولیدی و زراعی باید از ایده‌های جدید و نوآوری استارت‌آپ‌ها برای بهبود فرایندهای ناکارآمد تولید سنتی و فرایندهای بسیار ناعادلانه توزیع ثروت که ثروت را از کشاورز و دامدار و به‌طور کلی نیروی مولد به دلال منتقل می‌کند، کمک گرفت.

که برای احیای کشاورزی یا صنعت پس از زلزله و سیل مورد نیاز است، می‌توان فعالیت‌های مرتبط با گردشگری (گردشگری در حوزه‌های مختلف مثل طبیعت‌گردی، بوم‌گردی، کویرگردی، گردشگری سلامت و...) را توسعه داد که در این زمینه استارت‌آپ‌ها و شرکت‌های نوآور نیز می‌توانند نقش بسیار فعالی ایفا کنند. در برخی مناطق دیگر می‌توان اقتصاد مبتنی بر دامداری و کشاورزی سنتی را به اقتصاد مبتنی بر گیاهان دارویی تغییر جهت داد که در این زمینه نیز شرکت‌های دانش‌بنیان توان نقش‌آفرینی دارند. حتی در برخی مناطق می‌توان از استعداد و پتانسیل نیروی انسانی تحصیل کرده استفاده و دهکده‌های فنسآوری و تولید نرم‌افزار را تجهیز و راه‌اندازی کرد. اجرای این طرح و هموار کردن ورود فعالیت‌های دانش‌محور به مناطق آسیب‌دیده از سوانح طبیعی، نیازمند یکپارچه‌سازی اقدامات تمام ارگان‌های ذی‌ربط و طرح‌ریزی یک استراتژی جامع و متولی ستادی واحد برای این طرح است. امیدواریم مردم نیز از طریق رسانه‌ها توقعات خود در امر بازسازی واحیای اقتصاد مناطق آسیب‌دیده از سوانح طبیعی را با صدای رساتری به مسئولان اعلام کنند تا اراده اجرای این طرح در مسئولان ایجاد شود.

در حال حاضر مانقشه راه مشخصی برای احیای فعالیت‌های اقتصادی در مناطق آسیب‌دیده از حوادث طبیعی نداریم و هر سازمان طبق برنامه و اهداف خود بودجه‌ای در این زمینه تخصیص می‌دهد و اقداماتی برنامه‌ریزی و اجرایی می‌کند. این در حالی است که مردم از بنیاد مسکن که کمترین سهم و مسئولیت را در قبال احیای اقتصاد مناطق آسیب‌دیده از بلایای طبیعی دارد، به‌دلیل حضور مستقیم بنیاد از اولین دقایق وقوع این حوادث تا پایان دوره بازسازی منازل مسکونی در کنار مردم، بیشترین انتظارات را دارند و این توقع را به‌صورت‌های مختلف بیان می‌کنند. بنیاد مسکن برای تقویت و احیای اقتصاد مناطق آسیب‌دیده از بلایای طبیعی و محدوده‌های روستایی کشور طرح‌هایی را آماده کرده و این آمادگی در بنیاد وجود دارد که این طرح‌ها را با کمک سایر وزارتخانه‌ها و ارگان‌های متولی، اجرایی کند. در برخی سرفصل‌های این طرح‌ها پتانسیل توسعه هر منطقه ظرفیت‌های کشاورزی، صنعتی، صنایع تبدیلی، صنایع دستی، گردشگری، صنایع تبدیلی، صنایع دستی، گردشگری، صنایع دانش‌بنیان و فناوریانه و... به تفکیک مورد بحث قرار گرفته و پیشنهادهایی در مورد تغییر فاز اقتصاد برخی مناطق نیز ارائه شده است.

برای مثال، در برخی مناطق کشور با سرمایه‌گذاری بسیار کمتر از سرمایه‌ای

طریق درآمدزایی ارزی دارد. فعالیت‌های اقتصادی مبتنی بر دانش نوین، نیازی به سرمایه‌گذاری‌های کلان که در طرح‌های صنعتی به آن نیاز است، ندارند. مراکز رشد و توسعه و شرکت‌های دانش‌بنیانی که محصولات نرم‌افزاری تولید می‌کنند، می‌توانند در شهرهای کوچک یا حتی روستاهایی که زیرساخت‌های لازم برق و مخابرات را دارا هستند، ایجاد شوند و جوانان تحصیل‌کرده و صاحب‌ایده و خلاق آن منطقه را به خود جذب کنند. اقتصاد سنتی این مناطق نیز می‌تواند با کمک استارت‌آپ‌ها و منازل مسکونی را بازسازی کنیم، کار مهمی انجام شده، ولی با بازسازی منازل، کار بازسازی کامل نیست. گام دیگری که باید هم‌زمان با بازسازی کالبدی برداشته شود، توانمندسازی مردم آسیب‌دیده از زلزله و سیل و ارائه ابزار تولید و ایجاد رونق در اشتغال و کسب و کار مردم این مناطق است. این گام می‌تواند در برخی مناطق که ظرفیت حضور و فعالیت شرکت‌های دانش‌بنیان، استارت‌آپی، فناوریانه و نوآورانه دارند، کمکی برای آغاز فعالیت در این مناطق باشد. در دنیای امروز منابع عظیمی از ثروت از طریق فعالیت‌های مبتنی بر دانش و تفکر ایجاد می‌شود که نمونه آن را در کشور هند مشاهده می‌کنیم. این کشور از بزرگ‌ترین مراکز تولید نرم‌افزار در جهان است و هر سال میلیاردها دلار از این

کمی به‌عهده دارد. واضح است وقتی زلزله یا سیل، یک منطقه وسیع را درمی‌نوردد علاوه بر منازل مسکونی، زمین‌های کشاورزی، کارخانجات، کسب و کارها، جاده‌ها، شبکه آب و برق و گاز و مخابرات و... نیز دچار آسیب می‌شوند و بعضاً کاملاً از بین می‌روند. در پی چنین حوادثی، بیکاری که در استان‌های زلزله‌خیز و سیل‌خیز مثل کرمانشاه، لرستان، خوزستان و... وضعیت نامناسبی دارد، تشدید می‌شود و سطح رفاه و معیشت نیز افت می‌کند. اگر در مقوله بازسازی این مناطق تنها به بازسازی کالبدی پردازیم و منازل مسکونی را بازسازی کنیم، کار مهمی انجام شده، ولی با بازسازی منازل، کار بازسازی کامل نیست. گام دیگری که باید هم‌زمان با بازسازی کالبدی برداشته شود، توانمندسازی مردم آسیب‌دیده از زلزله و سیل و ارائه ابزار تولید و ایجاد رونق در اشتغال و کسب و کار مردم این مناطق است. این گام می‌تواند در برخی مناطق که ظرفیت حضور و فعالیت شرکت‌های دانش‌بنیان، استارت‌آپی، فناوریانه و نوآورانه دارند، کمکی برای آغاز فعالیت در این مناطق باشد. در دنیای امروز منابع عظیمی از ثروت از طریق فعالیت‌های مبتنی بر دانش و تفکر ایجاد می‌شود که نمونه آن را در کشور هند مشاهده می‌کنیم. این کشور از بزرگ‌ترین مراکز تولید نرم‌افزار در جهان است و هر سال میلیاردها دلار از این

رویکرد فعلی حاکم بر بازسازی مناطق آسیب‌دیده از مخاطرات و حوادث طبیعی را نمی‌توان یک رویکرد سنتی به‌معنای منسوخ و کاملاً ناکارآمد تلقی کرد. بازسازی مناطق آسیب‌دیده از زلزله، سیل، توفان، رانش زمین و... بدون توجه اساسی به بازسازی و نوسازی کالبدی این مناطق غیرممکن است. بنیاد مسکن متولی بازسازی کالبدی مناطق آسیب‌دیده از سوانح طبیعی به‌شمار می‌رود و این مسئولیت در درجه اول متوجه بازسازی منازل و سرپناه مردم است. این مسئولیت یعنی بازسازی مناطق آسیب‌دیده از بلایای طبیعی بعد از بازسازی مناطق آسیب‌دیده از جنگ به بنیاد مسکن محول شد و حاکمیت به‌دنبال استفاده از تجربیات بازسازی مناطق آسیب‌دیده از جنگ در دیگر مناطق کشور بود. اینکه این امر نوسازی کالبدی مناطق آسیب‌دیده از زلزله و سیل و... به سازمانی خارج از بدنه دولت و به یک نهاد مردمی برآمده از انقلاب، یعنی بنیاد مسکن سپرده شد در نوع خود حرکتی مترقی بود که به سرعت بخشی عملیات بازسازی انجامید. نواقص و مشکلاتی که در زمینه بازسازی مناطق آسیب‌دیده از حوادث غیرمترقبه مشاهده می‌شود عمدتاً در زمینه از بین رفتن زیرساخت‌های اقتصادی و تضعیف زیرساخت‌های رفاهی در این مناطق است که بنیاد مسکن در این زمینه مسئولیت



عزیزالله مهدیان

معاون بازسازی بنیاد مسکن

فعالیت‌های اقتصادی مبتنی بر دانش نوین، نیازی به سرمایه‌گذاری‌های کلان که در طرح‌های صنعتی به آن نیاز است، ندارند



بازسازی سنتی یا بازسازی نوآورانه؟

«آتیه‌نو» چالش‌های ایجاد تحول در ساختارهای اقتصادی – رفاهی مناطق سیل‌زده را بررسی می‌کند

توسعه اقتصادی و بهبود رفاه مردم مناطق آسیب‌دیده از این حوادث نداشته است. ناگفته نماند که آسیب و تخریب ناشی از حوادث طبیعی منحصر به کشور نیست. برآورد بانک اطلاعات بلایای طبیعی بین‌المللی در دانشگاه «لئون» بلژیک نشان می‌دهد، در سال ۲۰۱۸، بلایای طبیعی نزدیک به ۱۰۸ میلیارد دلار از اقتصاد جهان را از بین برده است. یکی از منابع بین‌المللی مدیریت سیل به نام «IFM» درباره معانعت سیل از رشد و توسعه اقتصادی در گزارشی عنوان کرده است: «هزینه‌های هتکف تسکین و بازسازی ممکن است بر سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها و فعالیت‌های توسعه منطقه‌ای تأثیر بگذارد و در بعضی موارد ممکن است اقتصاد ضعیف منطقه را فلج کند. سیل مجدد در یک منطقه، ممکن است سرمایه‌گذاری‌های دولت و بخش خصوصی را به‌طور کامل متوقف کند. فقدان وسایل معیشت همراه با مهاجرت کارگران ماهر و تورم کالاها می‌تواند بر رشد اقتصاد منطقه تأثیر منفی جدی داشته باشد. از دست دادن منابع می‌تواند به هزینه بالای کالاها و

به‌شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد به‌نحوی که تا سال‌ها بعد نیز می‌توان آثار منفی چنین رویدادی را بر وضعیت اقتصادی و رفاهی مردم مشاهده کرد. سیل اخیر در ایران مثال روشن این وضعیت و نمونه‌ای از حوادث طبیعی است که اقتصاد و معیشت و رفاه چند استان را خصوصاً در مناطق روستایی زیرورو کرده و خسارت چند هزار میلیارد تومانی به‌بار آورده، اما با وجود تخصیص منابع فوق‌العاده از محل صندوق توسعه ملی، بازسازی زیرساخت‌های آسیب‌دیده و جبران خسارت‌ها با کندی پیش می‌رود و تجربه‌های پیشین نیز نشان داده که اقتصاد و معیشت در این مناطق حتی بعد از گذشت سال‌ها به وضعیت عادی برنگشته است. درواقع رویکردها و روش‌های سنتی بازسازی و ترمیم خرابی‌های ناشی از حوادث طبیعی که بر ارائه تسهیلات نوسازی کالبدی بافت‌های مسکونی تخریب‌شده و احیای زمین‌های کشاورزی یا کارخانه‌های تولیدی و برخی اقدامات حمایتی مقطعی مثل توزیع بسته‌های غذایی و کمک‌های بلاعوض تمرکز دارد، نتیجه مطلوبی در

گذشت حدود ۳ ماه از وقوع سیل در برخی استان‌های کشور و بررسی اقدامات انجام‌شده برای ترمیم خرابی‌های ناشی از سیلاب و در مقیاسی بزرگ‌تر بررسی وضعیت دیگر مناطق آسیب‌دیده از بلایای طبیعی در کشور طی سال‌های گذشته، این مسئله را به ذهن متبادر می‌کند که آیا رویکرد و پارادایم مسلط بر مقوله بازسازی خرابی‌های ایجادشده بر اثر حوادث طبیعی، به توسعه اقتصادی مناطقی که تحت تأثیر این حوادث قرار گرفته‌اند می‌انجامد، آیا وضعیت رفاهی مردم آسیب‌دیده از این حوادث با اقداماتی که برای بازسازی خرابی‌ها انجام می‌شود، بهبود می‌یابد؟ به نظر می‌رسد پاسخ مثبت به این سوال با واقعیت‌های موجود هم‌خوانی ندارد. گزارش مستندی در مورد وضعیت اقتصادی، معیشتی و رفاهی مردم در مناطق آسیب‌دیده از مخاطرات طبیعی بعد از عملیات بازسازی در دسترس نیست، اما آنچه می‌توان از مشاهده‌های میدانی و برخی تحقیقات انجام‌شده توسط مراجع بین‌المللی دریافت اینکه حوادث طبیعی روند توسعه منطقه مورد نفوذ را

سبیل آمد، همه غمگین شدند، همه کمک کردند، اما آیا مردم مناطق سیل‌زده به زندگی عادی بازگشتند؟ چه زمانی بازمی‌گردند؟... در بحران‌هایی نظیر سیل و زلزله و... طی سالیان متوالی همواره شاهد رویه‌ای مشابه در مدیریت بحران بوده‌ایم. مدیریتی که حتی پس از سالیان متمادی همچنان با مشکل مواجه است. همچنان آمادگی لازم برای مواجهه با بلایای طبیعی در کشور وجود ندارد. همچنان هنگام وقوع بلایای طبیعی برای دوره‌ای فضا سازی صورت می‌گیرد، آموزش‌های مختلف از شبکه‌های مجازی و... منتشر می‌شود، کمک‌های مالی صورت می‌گیرد و... اما پس از مدتی گویی مسئله به فراموشی سپرده می‌شود و برنامه‌ای برای پیشگیری از حوادث، مدیریت بحران و اقدامات پس از بحران برای احیای جامعه بحران‌زده تدوین و اجرایی نمی‌شود. در کنار وجود چنین خلای، خلأ دیگری نیز وجود دارد و آن نبود برنامه‌ریزی مشارکتی در پیشگیری از آسیب‌های بلایای طبیعی و مدیریت بحران است. این رویکرد متفاوت از رویکردی است که صرفاً برنامه‌ریزی هادر مدیریت بلایای طبیعی را مبتنی بر سرمایه‌گذاری‌های کلان می‌داند که در بسیاری مواقع به محیط زیست و طبیعت آسیب‌های جدی نیز وارد می‌کند. در این رویکرد، مردم در مدیریت منابع طبیعی، رونق اقتصاد جوامع محلی و... بسج می‌شوند. این مسئله سبب می‌شود نه تنها محیط و طبیعت و مردم دوستانه در کنار یکدیگر قرار بگیرند...

یادداشت
O P I N I O N



ارغوان فرزین معتمد

تحلیلگر مسائل پولی و بانکی

جای خالی برنامه‌ریزی مشارکتی در تامین مالی پس از بحران

سبیل آمد، همه غمگین شدند، همه کمک کردند، اما آیا مردم مناطق سیل‌زده به زندگی عادی بازگشتند؟ چه زمانی بازمی‌گردند؟... در بحران‌هایی نظیر سیل و زلزله و... طی سالیان متوالی همواره شاهد رویه‌ای مشابه در مدیریت بحران بوده‌ایم. مدیریتی که حتی پس از سالیان متمادی همچنان با مشکل مواجه است. همچنان آمادگی لازم برای مواجهه با بلایای طبیعی در کشور وجود ندارد. همچنان هنگام وقوع بلایای طبیعی برای دوره‌ای فضا سازی صورت می‌گیرد، آموزش‌های مختلف از شبکه‌های مجازی و... منتشر می‌شود، کمک‌های مالی صورت می‌گیرد و... اما پس از مدتی گویی مسئله به فراموشی سپرده می‌شود و برنامه‌ای برای پیشگیری از حوادث، مدیریت بحران و اقدامات پس از بحران برای احیای جامعه بحران‌زده تدوین و اجرایی نمی‌شود. در کنار وجود چنین خلای، خلأ دیگری نیز وجود دارد و آن نبود برنامه‌ریزی مشارکتی در پیشگیری از آسیب‌های بلایای طبیعی و مدیریت بحران است. این رویکرد متفاوت از رویکردی است که صرفاً برنامه‌ریزی هادر مدیریت بلایای طبیعی را مبتنی بر سرمایه‌گذاری‌های کلان می‌داند که در بسیاری مواقع به محیط زیست و طبیعت آسیب‌های جدی نیز وارد می‌کند. در این رویکرد، مردم در مدیریت منابع طبیعی، رونق اقتصاد جوامع محلی و... بسج می‌شوند. این مسئله سبب می‌شود نه تنها محیط و طبیعت و مردم دوستانه در کنار یکدیگر قرار بگیرند...

ادامه در صفحه ۷



مجیدی کاوه

روزنامه‌نگار

با وجود تخصیص منابع فوق‌العاده از محل صندوق توسعه ملی، بازسازی زیرساخت‌های آسیب‌دیده و جبران خسارت‌ها با کندی پیش می‌رود و تجربه‌های پیشین نیز نشان داده که اقتصاد و معیشت در این مناطق حتی بعد از گذشت سال‌ها به وضعیت عادی برنگشته است. درواقع رویکردها و روش‌های سنتی بازسازی و ترمیم خرابی‌های ناشی از حوادث طبیعی که بر ارائه تسهیلات نوسازی کالبدی بافت‌های مسکونی تخریب‌شده و احیای زمین‌های کشاورزی یا کارخانه‌های تولیدی و برخی اقدامات حمایتی مقطعی مثل توزیع بسته‌های غذایی و کمک‌های بلاعوض تمرکز دارد، نتیجه مطلوبی در